

مهراس جهانى

کروید-۱۹ جهان را می لرزاند

نمره روبرو باره کمونیسیم در جهان پسا کرونایی

اسلای، زیترک

مترجم سهریار پاک، نیا



نقد فرهنگ

۱۳۹۹

• سرشناسه: ژیزک، اسلاوی، slavoj žižek، ۱۹۴۹-
• عنوان و نام پدیدآور: هراس جهانی؛ کووید-۱۹ جهان را می‌لرزاند (ظهور دوباره کمونیسم در جهان
پساکروناایی / نویسنده: اسلاوی ژیزک / مترجم: شهریار پاک‌نیا
• مشخصات نشر: تهران: نقد فرهنگ، ۱۳۹۹.
• مشخصات ظاهری: ۹۵ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
• شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۳۷-۴
• وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
• عنوان دیگر: کووید - ۱۹ جهان را می‌لرزاند؛ ظهور دوباره کمونیسم در جهان پساکروناایی
• موضوع: کرونا ویروس؛ جنبه‌های اجتماعی؛ تحلیل فلسفه
• شناسه‌ها: ۵۵: ۵۵۰؛ ۵۵۰: ۵۵۰؛ ۵۵۰: ۵۵۰؛ ۵۵۰: ۵۵۰؛ مترجم
• رده‌بندی کنگره: P ۱۴۰۴۴
• رده‌بندی دیویی: ۱۴۰۴۲
• شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۰۶۵۰



نقد فرهنگ



@naqdefarhangpub



www.naqdefarhang.com



naqdefarhangpub

نشانی: پردیس، میدان عدالت، خ فروردین جنوبی، خ سعدی، مجتمع علمی: بیژن عبدالکریمی، واحد ۲۰۳
 تلفن: ۷۶۲۷۶۷۴۸ | مراکز پخش: ۶۶۴۶۰۰۹۹، ۶۶۹۶۷۰۰۷، ۶۶۴۸۶۵۳۵
 • نام کتاب: هراس جهانی؛ کووید-۱۹ جهان را می‌لرزاند (ظهور دوباره کمونیسم در جهان پساکروناایی)

• نویسنده: اسلاوی ژیزک • مترجم: شهریار پاک‌نیا • ویراستار علمی: بیژن عبدالکریمی
 • نوبت چاپ: چاپ اول • سال انتشار: ۱۳۹۹ • تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه
 • قیمت: ۲۰۰۰ تومان • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۸۲-۳۷-۴

© کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات نقد فرهنگ است.

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه: به من نزدیک شو (نرمی می تنجری)
۱۱.....	فصل اول: ما همگی اسون در یک ایق هستیم
۱۹.....	فصل دوم: چرا همیشه خسته ام
۲۹.....	فصل سوم: به سمت یک طوفان سهمناک در اروپا
۳۵.....	فصل چهارم: به برهوت و بیروسی خوش آمدید
۴۳.....	فصل پنجم: پنج مرحله‌ی اپیدمی
۴۹.....	فصل ششم: ویروس ایدئولوژی
۵۵.....	فصل هفتم: آرام باشید و بهراسید
۶۳.....	فصل هشتم: نظارت و مجازات؟ بله، لطفاً!
۷۱.....	فصل نهم: آیا بربریتی پنهان با صورتی انسانی، سرنوشت ماست؟
۸۱.....	فصل دهم: کمونیسم یا بربریسیم؟ به همین سادگی!
۸۹.....	ضمیمه: دو نامه بسیار سودمند از دو دوست

مقدمه

به من نزدیک نشو (نولای می تنجری)^۱

بر اساس انجیل یوحنا^۲ عیسی مسیح بعد از رستاخیز و زمانی که بر مری مگدالن^۳ (مریم مجدلیه) ظاهر شد، روی را باز شناخت، آیه‌ی هفده از بخش بیستم کتاب مقدس، عبارت «به من دست نزن» را بر زبان آورد. حال من به عنوان یک ناباور مسیحی چگونه این عبارات را در ابتدا من این کلمات را با پاسخ مسیح

1. NOLI ME TANGERE

ترجمه لاتین عبارت "Touch me not" (به من دست نزن) می باشد که مطابق انجیل یوحنا، عیسی مسیح بعد از رستاخیز زمانی که بر مری مجدلیه ظاهر شد در پاسخ «مریم به من نزدیک نشو و به عبارتی به من دست نزن» طبق تفسیر موریس ژوندل (۱۹۷۱، ص ۱۰۹) الهی دان سوئیسی، عیسی مسیح در پی تقاضایش از مریم مجدلیه برای تماس برقرار نکردن و نزدیک نشدن او، نشان می دهد که بعد از رستاخیز ارتباط بین انسان ها و شخصیت وی دیگر نباید فیزیکی باشد. طبق تفسیر موریس او یعنی عیسی مسیح باید این فاصله را ایجاد کند و مریم مجدلیه را بماند به تنها راه ممکن، ایمان است و اینکه دیگر دست های ما به این شخصیت مقدس نمی رسند بلکه تنها راه ارتباط از درون است و این ارتباط درونی راه نزدیک شدن به عیسی مسیح می باشد. (تمام پانویس ها از ترجمه است)

۲. Gospel of John: انجیل یوحنا از نظر ساختار و محتوا با سه انجیل دیگر (متی، مرقس و لوقا) متفاوت است. برخی از رویدادها و تعلیمی که از زندگی عیسی بدان اشاره شده است در سه انجیل دیگر نیامده است، به گونه ای که با مطالعه آن، تصویر کامل تری از زندگی او به دست می آید. یوحنا خود هدف خویش را از نگارش انجیل چنین بیان می کند: «اما این ها نوشته شد تا ایمان آورید که عیسی همان "مسیح" پسر خداست. و تا با این ایمان، در نام او حیات داشته باشید» (۳۱:۲۰).

۳. Mary Magdalene: مری مگدالن یا به زبان عبری مریم مجدلیه شخصیتی در عهد جدید و یکی از پیروان مؤمن عیسی بوده که به همراه وی سفر کرد و گفته شده است که شاهد مصلوب شدن و رستاخیز عیسی مسیح بوده است.

به پرسش شاگردانش کنار هم می‌چینم تا بدانیم که چگونه اورستاخیز یافت و چگونه بعد از رستاخیز بازگشته است. عیسی مسیح می‌گوید که او آنجا خواهد بود تا زمانی که عشق بین پیروانش جاری است؛ و آنجا خواهد بود نه برای تماس و ارتباط شخصی با اشخاص، بل به عنوان پیوندی از عشق و همبستگی در بین همه مردمان. بنابراین می‌گوید: «به من دست ندهید، بلکه با دیگر مردمان با روح عشق رانده و با شفقت و مراقبت برخورد کنید».

بالاین وجه، امروزه و در اثنای اپیدمی کرونا و ویروس، ما همگی فراخوانده می‌شویم، به طوری که شخص برای ایزوله کردن خودمان، با دیگران در تماس نزدیک قرار نگیریم و بر تنهایی خودمان اصرار داریم. این خواسته‌ها بمباران می‌شویم که فاصله فیزیکی مناسبی را از دیگران حفظ کنیم. این دستور «با من در تماس نزدیک نباش» به چه معنی است؟ دست‌هایمان را از نزدیکی به شخص دیگری برساند و تنها از درون می‌توان به یکدیگر نزدیک شد. و این پنج‌ه‌ای رو به درون، چشم‌هایمان هستند. این روزها وقتی شما با کسی از نزدیکان یا حتی غریبه‌ها ملاقات می‌کنید و یک فاصله فیزیکی را در این دیدار مراعات می‌کنید، نگاهی عمیق به اعماق چشم دیگران می‌تواند حتی بیش از یک تماس صمیمانه، پرده از رازهای درون بگشاید. هگل در یکی از نوشته‌های دوران جوانی‌اش می‌نویسد:

«معشوق در مقابل ما نیست، او در وجود خود ما است؛ ما خود را تنها در او می‌بینیم و اما در عین حال، او دیگر، ما نیست؛ یک معجزه و یک شگفتی^۱، چیزی که نمی‌توانیم درک کنیم»^۲.

بسیار مهم است که این دو ادعا را در مقابل یکدیگر مورد خوانش قرار ندهیم آن‌چنان که معشوق تاحدی بخشی از «ما»، بخشی از خود، و بخشی نسبی از یک معماست. آیا این معجزه عشق نیست که شما بخشی از هویت من هستید دقیقاً تا زمانی که در معجزه‌ای که از درک من خارج است، باقی می‌مانید، معمایی که

۱. Ein wunder

۲. درس گفتارهای هگل درباره مذهب و عشق در پنا به سال ۱۸۰۵-۶.

نه تنها برای من که برای خود شما نیز رقم خواهد خورد؟ با ارجاع به عبارت معروف دیگری از هگل جوان که می گوید:

«آدمی، این شب است، این نیستی تهی، که در کمال سادگی واجد همه چیز است، گنجی بی انتها از نمودهای بسیار، ایمازهای گونه گون، گنجی بی انتها از هر آنچه متعلق به او نیست و یا لافل اکنون برایش فراهم نیست. آدمی وقتی در چشم آدیان می نگرد این شب را می بیند.»^۱

هیچ کرونا و ویروسی نمی تواند این ویژگی را از ما بگیرد، تا جایی که شاید این امید نیز رود که در غلظت غلظت فیزیکی، حتی شدت ارتباط ما با دیگران را نیز تقویت و تکثیر نماید. تنها در این موقعیت زمانی است که باید از بسیاری از آنانی که به من نزدیک می باشند دور مانم در عین اینکه به طور کامل حضور حقیقی و اهمیت این حضور را برای خویش محسوس کرده باشم.

می توان پیشاپیش صدای خنای یک کلبی مسلک بدبین را در این رابطه شنید که می گوید: درست است، شاید ما بین لحظاتی از قرب معنوی را تجربه کنیم اما این وضعیت چگونه به ما کمک می کند تا با فاجعه ای در حال گسترش، مواجه شویم؟ آیا نمی خواهیم از آن چیزی یاد بگیریم؟

هگل می گوید که تنها چیزی که می توان از تاریخ آموخت این است که ما از تاریخ، هیچ چیز نمی آموزیم. بنابراین من شک دارم که این آدمی به ما کمک

۱. به نقل از بخش اول درس گفتارهای هگل در دانشگاه بنا در خصوص فلسفه روح، سال ۱۸۰۵، در این فراز فلسفی هگل می گوید: «ایماز متعلق به روح است. و روح، ایماز را در تصرف خویش دارد». باب آن می باشد، ایماز در خانه روح، و در شب آن، ذخیره می شود. این ایماز، ناخودآگاه است. بهتر است این گونه بیان کرد که ایماز به عنوان یک ابره برای نمود نشان داده نمی شود. انسان این شب است، این نیستی تهی، که در سادگی اش هر چیزی را در بردارد، گنجینه بی نهایتی از نمودهای متعدد، ایمازهای گونه گون که هیچ کدام مستقیماً با وی نمی باشند و هیچ کدام فراهم و حاضر نیستند. این است این شب، که در درون طبیعت انسان، اینجا، هست می شود. خود ناب و شب در نمودهای توهم آلودی در هر جایی حضور دارد: در اینجا سری خونین ناگهان سر برمی آورد و در آنجا شکل سپید دیگری و تنها با ناپدید شدن ناگهانی. ما این شب را آنگاه که به چشم انسان نگاه می کنیم می بینیم، با نگاه کردن به عمق شبی که به شکل وحشت زایی به سوی ما برمی گردد تا اینکه از چشم هایش شب جهان به سمت ما نمایان شود».

نماید تا عاقل تر شویم. تنها چیزی که روشن است این است که این ویروس، بنیادهای اساسی زندگی ما را فرومی ریزد و نه تنها به میزان فزاینده‌ای از رنج بلکه به بحران اقتصادی‌ای بدتر از بحران رکود بزرگ جهانی در دهه ۱۹۳۰، گرفتار خواهد ساخت. برگشت به وضعیت طبیعی امکان‌پذیر نیست و تنها «وضع طبیعی» جدیدی بر روی ویرانه‌های زیست کهن ما بر ساخته خواهد شد یا اینکه خود را در بریرت که علانمش از قبل آشکارا هویدا بود دریابیم. این کافی نیست که تنها با اپیدمی به عنوان یک حادثه نامیمون رفتار کنیم و از پیامدهایش رهایی یابیم و به عملکرد لایمی بسپاریم. شاید برخی از تنظیمات و اصلاحات برای نظام به اشت و سلامت بازگردیم. می‌بایست این پرسش کلیدی را در اینجا طرح نمود: نظام اجتماعی، چه مشکلی دارد که در برابر این فاجعه، علی‌رغم دانشمندانی که سال‌هاست بر این خصوص انداز می‌دهند آمادگی لازم را نداشته‌ایم؟